



درس مشروطه برای سیاست امروز ما به روایت دکتر موسی نجفی

جاماندن از «انقلاب هویتی»

چرا انقلاب مشروطه نتوانست
به مرحله تمدن‌سازی برسد؟

اندیشه سیاسی

حمید حبیبی

خبرنگار

«انقلاب مشروطه؛ پروژه‌های ناکام یا ناتمام؟» پرسشی است که سال‌هاست اصحاب علوم سیاسی و محققان تاریخ معاصر ایران در پی پاسخ آن برآمده‌اند تا درسی برای سیاست امروز بیسازند. از این رو، شخصیت شیخ فضل‌الله نوری و نظریه مشروطه مشروعه او را مورد تحلیل و بازخوانی قرار داده‌اند تا ابعاد ناپیدای این نهضت را برای نسل امروز رمزگشایی کنند.

دکتر موسی نجفی، استاد اندیشه سیاسی و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که صاحب نظریه «تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان» است و کتاب «مراتب ظهور فلسفه سیاست در تمدن اسلامی» از او برنده کتاب سال جمهوری اسلامی هم شده است از جمله صاحب‌نظرانی است که در بازخوانی نهضت مشروطه، به سؤالاتی اساسی پاسخ گفته است که می‌تواند برای عالمان علم‌سیاست و سیاست‌ورزان امروز ما درس آموز باشد؛ از جمله اینکه چرا انقلاب اسلامی نتوانست به مرحله تمدن‌سازی برسد اما انقلاب مشروطه هرگز این مرحله را تجربه نکرد؟ آیا شخصیت شیخ فضل‌الله نوری برای دهه پنجم انقلاب اسلامی ما می‌تواند حرفی برای گفتن داشته باشد؟ و درس تاریخی دیروز برای سیاست امروز ما چیست؟ در ادامه تحلیل‌های دکتر موسی نجفی پیرامون این پرسش‌ها را روایت خواهیم کرد.

مراحلی که یک انقلاب باید پشت‌سر بگذارد

دکتر موسی نجفی، استاد اندیشه سیاسی، معتقد است که یک انقلاب یا نهضت باید سه مرحله را طی کند تا به تکامل برسد؛ در مرحله نخست باید «نهضت» به پیروزی برسد و بعد از آن است که در مرحله دوم «نظام» شکل می‌گیرد و در مرحله سوم «تمدن‌سازی» اتفاق می‌افتد؛ «انقلاب مشروطه چند مرحله را طی کرد؛ ابتدا نهضت پیروز شد، بعد انقلاب مشروطه به نظام مشروطه منجر شد. اما انقلاب اسلامی بعد از اینکه نظام اسلامی را شکل داد نتوانست به یک مرحله بالاتر هم برود و تمدن اسلامی را بسازد در حالی که نهضت مشروطه هیچ‌گاه به تمدن‌سازی نرسید.»

چگونگی شکل‌گیری «انقلاب هویتی»

فرق «نظام» و «تمدن» در این است که

فرق انقلاب اسلامی با انقلاب مشروطه
دکتر نجفی معتقد است اگر «انقلاب هویتی»

تمدن، نظام را مبسوط می‌کند و تفصیل می‌دهد. اما اینکه چرا نهضت مشروطه از تمدن‌سازی جا ماند و بعد از چند دهه به نظام پهلوی ختم شد؟ موسی نجفی این پرسش را با نورا فکنی براندیشه‌های شیخ فضل‌الله نوری و «نظریه مشروطه مشروعه» این‌گونه پاسخ می‌دهد: «معمولاً انقلاب‌ها دو مرحله دارند؛ مرحله نخست، هویت انقلابی و مرحله دوم، انقلاب هویتی. در مرحله اول، فضای انقلاب و براندازی بر نهضت‌ها حاکم می‌شود اما هر چه انقلاب‌ها به مرحله تکاملی‌تر و فکری‌تر می‌رسند «هویت انقلابی» به مرحله «انقلاب هویتی» بدل می‌شود؛ مرحله‌ای که بسیار برای یک نهضت و نظام مهم و سرنوشت‌ساز است.»

فرق انقلاب اسلامی با انقلاب مشروطه
دکتر نجفی معتقد است اگر «انقلاب هویتی»



اگر انقلاب

هویتی

برای یک

نظام شکل

نگیرد عملاً

آن نهضت

به مرحله

تمدن‌سازی

نمی‌رسد.

در انقلاب

اسلامی چون

ما توانستیم

این انقلاب

هویتی را

شکل دهیم

به مرحله

تمدن‌سازی

رسیدیم اما

در نهضت

مشروطیت

این «هویت

انقلابی»

به «انقلاب

هویتی» منجر

نشد بنابراین

پروژه آن

ناتمام ماند

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.



اسلامی نیفتاد. .

جایگاه مردم در نهضت مشروطه

گاه در یک جامعه، مردم با رهبران‌شان هویت پیدا می‌کنند و شناخته می‌شوند اما دکتر موسی نجفی معتقد است که در دوران مشروطه برای نخستین بار در تاریخ ایران، این رهبران بودند که با مردم هویت پیدا کردند و مردم و جامعه ایرانی در انقلاب مشروطه نقش برجسته‌تری از رهبران خود داشتند؛ «دست‌آورد اصلی مشروطه این است که هر کسی بعد از این انقلاب، روی کار آمد، مجبور بود عملکرد خود را برای مردم توجیه کند.

میراث مشروطه همان انرژی آزاد شده‌ای است که شریایی را فراهم کرد که در آن هم «شیخ فضل‌الله نوری» بتواند اظهار نظر کند هم «آخوند خراسانی» بتواند دیدگاه‌های خود را بنویسد؛ بنابراین می‌توان گفت

جامعه‌ای که حرکتی ندارد، آخوند خراسانی و شیخ فضل‌الله هم نخواهد داشت.» به عقیده دکتر نجفی بی‌برنامگی برای آینده است که نیروهای یک انقلاب را دچار گریز از مرکز می‌کند و یک انقلاب را به استحاله می‌کشد. اتفاقی که برای مشروطه افتاد و نهایتاً به پروژه رضاخانی منتهی شد.

نقش مشروطه

در تحول فرهنگ سیاسی ایرانیان

در مشروطه تحولی عمیق در فرهنگ سیاسی ایرانیان اتفاق افتاد که دکتر نجفی آن را «درک مدنی جامعه» می‌خواند که به «ضرورت قانونمندی» انجامید: «مشروطه به ما درک مدنی داد، این درک مدنی شعار سیاسی جناح‌ها نیست بلکه به معنای «ضرورت قانونمندی» است. از این رو، باید به درک مدنی جهت قانونی داد تا مسیر خود خارج نشود. تاریخ همیشه

پشت سر ما نیست، گاهی از ماجلوت است؛ زیرا تحولات یک وجه نظری و اندیشه‌ای هم دارد. موج انرژی که در مشروطه ایرانی آزاد شد هنوز هم آزاد است حتی از این موج مشروطه، انقلاب اسلامی پدید آمد.»

مشروطه هرگز شکست نخورد

در حالی که برخی تحلیل‌گران مشروطه را پروژه‌ای شکست‌خورده معرفی می‌کنند اما اغلب عالمان علم سیاست، نهضت مشروطه را علی‌رغم ناتمام بودنش ناکام نمی‌دانند. دکتر نجفی در این رابطه می‌گوید: «مشروطه هرگز شکست نخورد، اساساً نهضت‌ها هیچ‌گاه شکست نمی‌خورند و همیشه اثرگذار هستند. انرژی‌ای که مشروطه در بین نیروهای اجتماعی آزاد کرد، تأثیرگذاری خود را دارد؛ بنابراین نباید اصل را بر مرگ نهضت‌ها گذاشت بلکه اصل بر تداوم و زنده بودن آنها است.»

ایرانی، ششم ژانویه است که به علت کم‌اطلاعی برخی دستگاه‌ها، گاهی روز بیست و پنجم دسامبر که کریسمس مسیحیان خارج از کشور است، گرمای داشته می‌شود یا لزوم شناساندن تفاوت صهیونیسم با یهودیان کلمی ایران که خود از حامیان جریان مقاومت فلسطین هستند و به‌رغم تلاش رژیم اشغالگر قدس، از مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی امتناع می‌ورزند.

وحدت و انسجام اجتماعی

۲. تأکید بر وحدت و انسجام اجتماعی مبتنی بر هویت ملی و دینی. ■ استفاده از ظرفیت مناسبات فراملی برای تقویت هویت ملی از طریق حمایت از رویدادها، محصولات و نوآوری‌های محلی همسو و هم‌راستا با ارزش‌های ملی ■ شفاف‌سازی جریان‌ها و افراد وابسته به احزاب معاند و مخالفت با هرگونه ترویج آنها.

۱. التزام عملی و نظارت بر عدم مغایرت برنامه‌ها و رویدادها با معیارهای اصلی همسویی با هویت ملی که عبارت است از همبستگی و حراست از زبان، خط و ادبیات فارسی؛ معرفی خود به عنوان فرد ایرانی و وفاداری نسبت به تمامیت ارضی.

ارتقای سرمایه اجتماعی

۳. ارتقای سرمایه اجتماعی و پرهیز از شکاف و قطبی شدن اجتماعی، فرهنگی و قومی. ■ معرفی و تبیین خدمات انقلاب و نظام اسلامی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی به اقوام ایرانی. ■ برنامه‌ریزی و تقسیم کار نهادها و دستگاه‌های مختلف محلی و ملی در جهت حفظ، تکریم و گسترش نمادهای ارزش‌مدار، آداب و آیین‌های اجتماعی و شخصیت‌های برجسته قومی و تبیین این تلاش برای آحاد مردم. ■ تدبیر یکپارچه و منسجم برخی چالش‌هایی که می‌تواند زمینه تنش میان اقوام را فراهم کند از جمله حکمرانی آب و منابع آبی.

■ ابتنای سلسله مراتب سازمانی و فرصت‌های شغلی بر اصل شایسته‌سالاری و پرهیز از بومی‌گرایی افراطی که منجر به سرخوردگی افراد می‌شود؛ مبتنی بر این معیار که اگر کسی واجد شایستگی لازم برای تصدی مسئولیتی بود، اهل قومی خاص یا از پیروان دین یا مذهبی خاص بودن، چالش یا مانع راه او نباشد.

ایده راهبردی نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تکثر فرهنگی و تنوع قومی، اتخاذ رویکرد «وحدت در عین کثرت» و «کثرت در عین وحدت» است که از حکمت اصیل اسلامی ایرانی الهام می‌گیرد.

خطوط راهبردی این رویکرد عبارت است از: پاسداشت تنوع و تقویت هم‌شناسی فرهنگی اقوام و نواحی فرهنگی مختلف ایران؛ تأکید بر وحدت ملی و انسجام اجتماعی مبتنی بر هویت دینی و ملی و ارتقای سرمایه اجتماعی و پرهیز از شکاف و قطبی شدن اجتماعی، فرهنگی و قومی. با توجه به اهمیت مسأله تنوع قومی و حیات اجتماعی اقوام فرهنگی مختلف ایران، ضروری است تا مجلس شورای اسلامی «سند ملی تنوع قومی» مبتنی بر اصول اسلامی و ملی را تصویب کند. در ادامه پیشنهادی راهبردی اصلی برای هر کدام از این موارد بیان می‌شود:

پاسداشت تنوع فرهنگی

۱. پاسداشت تنوع و تقویت هم‌شناسی فرهنگی اقوام و نواحی فرهنگی مختلف ایران. ■ بازنمایی حماسه‌ها و روایت‌های افتخارآمیز از شخصیت‌های برجسته اقوام مختلف، خصوصاً تبیین سهم مفاخر قومی در افتخارآفرینی‌های ملی و حراست از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی ایران؛ نظیر ورزش قهرمانی، دفاع مقدس، جنگ‌های تاریخی ایران، مبارزه با استعمار... ■ تجلیل از مفاخر فرهنگی، چهره‌های ماندگار و شخصیت‌های تأثیرگذار محلی و ملی اقوام مختلف. ■ تکریم شخصیت‌های برجسته و موفق و علمای اخلاقی و انقلابی اهل سنت در عرصه عمومی و ملی به عنوان نمادی از برادری و وحدت عملی اسلامی.

■ فرصت‌انگاشتن تنوع زبانی‌گویی در مناطق مختلف ایران و توجه به رونق زبان‌های مادری خصوصاً زبان‌های در حال زوال به شکلی که موجب احساس بیگانگی با زبان فارسی و میراث آن در سطوح مختلف واژگانی، ادبی و حکمی نشود.

■ کلیشه‌زدایی از تصورات منفی پیرامون اقوام در زبان روزمره و بازنمایی رسانه‌ای آن از طریق تکریم و معرفی جایگاه تاریخی، میراث فرهنگی و نقش اقوام گوناگون در مناسبات گوناگون محلی و ملی. ■ تکریم اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی و تصحیح برخی خطاهای عملکردی؛ به عنوان مثال کریسمس مسیحیان ارمنه

نابودی هویت‌های چندگانه درون ملت، بلکه با کمک به بالندگی و همگرایی آنها با هویت ملی و دینی به دست آمده و با سازکارهای اساساً فرهنگی امکانپذیر است.

اگرچه رویکرد غالب رژیم پهلوی در قبال اقوام و اقلیم‌های فرهنگی ایران، سیاست همانندسازی و نفی تنوع و تکثر قومی فرهنگی بود، اما در پرتو انقلاب اسلامی، مبتنی بر هویت دینی به عنوان نخ تسبیح جامعه ایرانی با همه تفاوت‌های خود، بار دیگر زمینه حیات و پویایی اقلیم‌های مختلف فرهنگی ایران بزرگ فراهم آمد.

راهبردهایی برای اقتدار فرهنگی

باید توجه داشت که برای استفاده از این ظرفیت عظیم، باید چهارچوب خاصی از راهبردها، سیاست‌ها، اقدامات و برنامه‌های فرهنگی را تدارک دید تا بتوان شاهد افزایش پویایی اجتماعی، نوآوری و خلاقیت فرهنگی، انسجام اجتماعی، قدرت نرم، وحدت ملی و امنیت پایدار بود.

ایران اسلامی با اتکا به این منبع عظیم و سرشار است که می‌تواند با جریان جهانی‌سازی فرهنگی مقابله کرده و در عرصه بین‌المللی نیز داعیه‌دار حراست از تنوع فرهنگی با قرات خاص خویش باشد؛ همچنین با توجه به زمینه‌های مشترک قومیت‌هایی که در دوسوی مرزهای سیاسی قرار دارند، می‌توان گسترش تعاملات و ارتباطات فرهنگی و اقتصادی با کشورهای همسایه را پی‌جویی کرد و با گسترش مراکز فرهنگی (از جمله مدارس، مراکز آموزش عالی و...) در کشورهای همسایه، می‌توان بخشی از نخبگان علمی آنها را با فرهنگ ایران اسلامی آشنا کرد و موجب افزایش اقتدار ایران در منطقه شد.

بر اساس نتایج حاصل از پژوهش‌های گوناگون انجام شده در سطح کشور، گره و چالش اصلی در حوزه سیاستگذاری اقوام که می‌تواند زمینه واگرایی و کاهش سرمایه اجتماعی نظام را فراهم آورد، مسأله احساس تبعیض و انسداد در فرآیند ارتقای اجتماعی میان برخی اقوام و اقلیت‌های مذهبی و دینی است. یکی دیگر از چالش‌های عرصه سیاستگذاری اقوام، عدم وجود رویکرد واحد و سیاست‌های منسجم است که زمینه را برای سوءاستفاده جبهه معارض انقلاب اسلامی و القای شکاف میان حاکمیت و اقوام با اختلاف‌افکنی و ایجاد آشوب‌های اجتماعی و رسانه‌ای فراهم می‌آورد.



جامعه

ایرانی دارای

غنا و تنوع

کم‌نظیری

از اقوام و

اقلیم‌های

فرهنگی

گوناگون

است که فراتر

از مرزهای

سیاسی

آن، پهنه

وسعی را به

عنوان «ایران

فرهنگی»

ایجاد کرده

است. در

نظریه تمدنی

انقلاب

اسلامی،

تنوع فرهنگی

نه تنها یک

تهدید نیست،

بلکه نشانه‌ای

از توحید و

دلیلی برای

شناخت

متقابل اقوام

و فرهنگ‌های

گوناگون

است

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.



شناخت «ایران فرهنگی» فراتر از مرزهای سیاسی

اقتدار فرهنگی ایران

«تنوع فرهنگی» در دل «وفاق ملی» چطور برای ما قدرت نرم جهانی می‌آفریند؟

سیاستگذاری فرهنگی

سیدمجدامی/صابر اکبری خضری

جامعه ایرانی در میان تمام ملت‌های جهان، دارای غنا و تنوع کم‌نظیری از اقوام و اقلیم‌های فرهنگی گوناگون است که فراتر از مرزهای سیاسی آن، پهنه وسیعی را به عنوان «ایران فرهنگی» ایجاد کرده است. بافتار تمدنی ایران نه بر محور قوم یا گروهی خاص، بلکه بر محور تعامل و پیوند میان اقوام و گروه‌های مختلف شکل گرفته که با همزیستی، شکوفایی و اعتلای تمدنی

ایران فرهنگی را فراهم آورده‌اند. در این الگوی هویتی، مؤلفه‌های دینی، ملی و قومی به شکلی همگرا کنار هم قرار می‌گیرند. در نگاه اسلامی که مبنای نظریه تمدنی انقلاب اسلامی است، تنوع فرهنگی نه تنها یک تهدید نبوده، بلکه نشانه‌ای از توحید و دلیلی برای شناخت متقابل اقوام و فرهنگ‌های گوناگون است؛ چنانکه در

آیه شریفه ۱۳ سوره حجرات ذکر شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». مبتنی بر این نگاه، همان‌طور که تراحم و تعاضی میان هویت ملی و هویت دینی نیست، وفاداری ملی نیز تعارضی با وفاداری فراملی ندارد. انسجام اجتماعی و ملی، نه با حذف و